

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

گفتیم قانون به شاهد اجازه داده که برای ترک شغل خود به دلیل شهادت دادن می تواند اجرت بگیرد، به مناسبت بحث منافع حر را در منافع مستوفات مطرح کردیم.

اما چنانچه منافع حر مستوفات نباشد، فرض کنید کسی را باز داشت کرده اند اگر از او کار بکشند بحث منافع مستوفات مطرح است که بحث کردیم ولی اگر از او کار نکشد و از طریقی نگذارد که کار خود را هم انجام بدهد، بحث ما به ویژه در موضوع شاهد در این صورت است.

در این جا حضرات فقها اکثرا در صغر سن منافع غیرمستوفات از عمل حر می فرمایند که این مورد ضمان ندارد و از این جهت مسؤولیتی متوجه دیگری نیست، البته بحث ما کیفری نیست بلکه صرفا ضمان مالی و خسارت نقدی است.

مرحوم محقق حلی در شرایع (ج 3، ص 185) می فرماید «الحر لایضمن بالغصب ولو کان صغیرا» شخص حر به سبب غصب مورد ضمان قرار نمی گیرد هرچند صغیر باشد. شهید ثانی در مسالک (ج 12 ص 159) و مرحوم فاضل آبی در کشف الرموز (ج 1 ص 381) همین مطلب را مطرح کرده اند.

محقق نجفی در جواهر پس از بیان مرحوم محقق که فرمود منافع حر هرچند صغیر باشد ضمان آور نیست در ادامه می فرماید: «لأعینا و لا منفعة بلاخلاف محقق اجده فیه» عینا مورد ضمان نیست چون مالیت ندارد و منفعة چون مستوفات نیست که صدق مالیت بکند.

از عبارات فقها به دست می آید که حضرات از نصوص، نصی را مورد استناد قرار نداده اند بلکه ادله ای که قائم شده امور دیگری است که بیان می کنیم.

محقق حلی در مقام استدلال در شرایع (ج 3 ص 185) می فرماید "لو حبس صانعا لم یضمن اجرتة ما لا ینتفع به لان منفعه فی قبضته" اگر کسی شخص صانع و کاسبی را حبس کند اجرت او را ضامن نیست

مادامی که از او استفاده نکند چون منافع حر در دست خود او است و چیزی به دست دیگری نرسیده که صدق مال بکند برای مقام تنظیر مثل شخصی است که دیگری را حبس کرده و محبوس پول هم در جیب دارد و پول را از دست او نگرفته باشند.

همین مطلب را مرحوم محقق سبزواری در کفایه الاحکام (ج 2 ص 634) آورده است: «لان منافعہ فی قبضتہ». مرحوم علامه حلی (ره) در تذکره (ص 382) فرموده است در مقام تعلیل: «لان منافعہ فی یدہ».

اما دلیل دومی که مطرح شده این است که فرموده اند اصولا ضامن شدن برای جایی است که پای مال در میان باشد و علی الاصول منافع حر تا زمانی که استیفاء نشود مال نیست که ضامن شدن در مورد آن مطرح بشود، محقق ثانی در جامع المقاصد (ج 5 ص 81) بیانشان این است: «الذی یدخل تحت الید هو المال دون الحر و لهذا لایضمن منافع الحر الا بالاستیفاء بخلاف منافع العبد فانها تضمن بمجرد وضع الید علیہ و ان لم یستوفه لانه مال».

دلیل سومی که در این مورد اقامه شده اصل براءت است، مرحوم محقق نجفی در جواهر (ج 37 ص 41) می فرماید: «منافعہ فی قبضتہ کثیابہ باقیۃ علی اصلۃ عدم الضمان و ان ظلم و..... بالحبس من منافع حر» مثل لباس فرد که در تن او است ضمان آور نیست و در مورد ضمان اصل عدم جاری است و زمانی می توانید شخصی را ضامن بدانید که دلیل و نصی اقامه شده باشد.

مرحوم آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری در مذهب الاحکام (ج 21 ص 296) می فرماید: «لاصل البرائۃ عن الضمان بعد عدم تحقق استیلاء علی ما یقابل بالمال».

بالاخره دلیل چهارمی که مطرح شده اجماع است، مرحوم محقق نجفی همانطوری که قبلا اشاره شد ایشان فرمود: «بلاخلاف محقق اجدہ فیہ» (ج 37 ص 36) بعد در صفحات بعدی می فرماید: حتی عامه که مبنای فقهشان بر قیاس و استحسان است قائل به ضمان در منافع غیر مستوفات نشده اند چه برسد به امامیه که مبنای فقهشان بر قواعد مقررہ ثابتہ مأثورہ از اهل بیت (ع) است: «عدم القول به من العامۃ الذین مبنی فقههم علی القیاس و الاستحسان فضلا عن الامامیہ الذین مبنی فقههم علی القواعد المقررة الثابتة عن اهل بیت العصمة فلا وجه للضمن فی الفرض کما قطع به الاصحاب» که مقطوع بودن نزد اصحاب از آن استشمام ادعای اجماع می شود. (ج 37 ص 41)

مرحوم محقق سبزواری در کفایه الاحکام (ج 2 ص 634) می فرماید: «والمقطوع به فی کلام الاصحاب انه لو حبس صانعا حرا مدۃ لها اجرۃ لم یضمن اجرته ما لم یتسعمله لان منافعہ فی قبضتہ» از جهت مقطوع به در کلام اصحاب هم فهمیده می شود که ادعای اجماع وجود دارد.

در حقیقت ادعای آقایان که می فرمایند منافع غیر مستوفات اصولاً مورد ضمان واقع نمی شود متکی بر این دلائل چهارگانه است، یکی این که استیلاء بر منافع حر ممکن نیست پس بحث ضامن شدن مطرح نیست، دوم این که به آن اطلاق مال نمی شود، سوم این که مجرای اصل براءت است و بالاخره این که مسأله اجماعی است.

در ادامه باید به مناقشه در این چهار دلیل برگردیم.

و الحمد لله رب العالمین